



The Comparative Reading of the Fantasy Factors in *Arze Zikola* novels by Amro Abdolhamid; and *Shouman* by Nazanin Judat

Hadi Naami¹| Maryam Jalilian²| Hossein Cheraghivash³

1. Master student of Arabic language and literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: naami.teacher26@gmail.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: jalilian.ma@lu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. E-mail: h.cheraghivash@basu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21 Jul 2021

Received in revised form:
26 Feb 2022

Accepted: 13 Mar 2022

Keywords:

Fancy,
Shouman,
Amro Abdol Hamid,
Nazanin Judat.

ABSTRACT

Fantasy literature is a new genre in literature which comprises is the use of imagination power and creativity to escape from the world and its known boundaries and to break the laws of nature. In fantasy literature, all events are based on fantasy, and fantasy writers create a world of strange elements and events, extraordinary creatures and atmospheres, and unique rules. There are significant similarities in the use of fantasy elements in the novels of Zikola and Shouman. Therefore, the present study tries to explain the commonalities of fantasy components in these two works using the analytical-descriptive method. Some of the common fantasy themes in these two works are the similarity in the plot, the main character, the combination of real and imaginary characters, the use of similar functional actions such as spells, events, and assistance, and also common fantasy principles such as surprise and excitement, voluntary suspension of disbelief, metamorphosis, and the open-ending principle.

Cite this article: Naami, H., Jalilian, M., Cheraghivash, H. (2023). The Comparative Reading of the Fantasy Factors in *Arze Zikola* novels by Amro Abdolhamid; and *Shouman* by Nazanin Judat. *Research in Comparative Literature*, 13 (1), 141-162.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JCCL.2022.6717.2287



دراسة مقارنة لمكونات الفانتازياء في روايتي أرض زيكولا لعمر عبدالحميد و شوومان لنازين جودت

هادي نعمي^١ | مريم جليليان^٢ | حسين چراغي وش^٣

١. خريج مرحلة الماجستير في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة لرستان، خرم آباد، إيران، العنوان الإلكتروني: naami.teacher26@gmail.com

٢. الكاتبة للمسؤول، أستاذة مساعدة في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة لرستان، خرم آباد، إيران، العنوان الإلكتروني: jalilian.ma@lu.ac.ir

٣. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة بوعلی سینا، همدان، إيران، العنوان الإلكتروني: h.cheraghivash@basu.ac.ir

الملخص

معلومات المقال

نوع المقال: مقالة محكمة
الوصول: ١٤٤٢/١٢/١٠
التقيق والمراجعة: ١٤٤٣/٧/٢٤
القبول: ١٤٤٣/٨/١٠
الكلمات الدلالية:
الفانتازياء،
الخيال،
أرض زيكولا،
شوومان،
عمر عبدالحميد،
نازين جودت.

الفانتازياء هو نوع جديد من الأدب، وتمثل ميزته الرئيسية في توظيف قوة الخيال و الإبداع للهروب من عالم الواقع و أطره المعروفة و كسر قواعده. في هذا النوع من الأدب، كل الأحداث مبنية على الخيال و الكتاب يخلقون فيه علماً مملوءاً من عناصر و أحداث غريبة و مخلوقات و أجواء غير مألوفة و قواعد فريدة. هناك العديد من الجوانب المشتركة في استخدام العناصر الخيالية في روايتي شوومان للكاتبة الإيرانية نازنين جودت و أرض زيكولا للكاتب المصري عمرو عبدالحميد و انطلاقاً من هذا، يقوم البحث الحاضر بشرح القواسم المشتركة لمكونات الخيال في الروايتين و عبر دراسة مقارنة. قد أولى الكاتبين فيهما بالمواضيع الخيالية الشائعة، فمنها التشابه في الحكبة و الشخصية الرئيسية و إبداع مزيج من الشخصيات الحقيقية و الخيالية و استخدام الإجراءات الوظيفية الشائعة مثل الشعابيد و الحوادث و المساعدة و هناك أيضاً مبادئ الخيال المشتركة في الروايتين نحو المفاجأة و الإثارة و التحويل و تعليق عدم التصديق، ثم كيفية البداية و النهاية المفتوحة فيهما.

الإحالة: نعمي، هادي؛ جليليان، مريم؛ چراغي وش، حسين (١٤٤٥). دراسة مقارنة لمكونات الفانتازياء في روايتي أرض زيكولا لعمر عبدالحميد و شوومان لنازين جودت. بحوث في الأدب المقارن، ١٣ (٢)، ١٤١-١٤٢.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: 10.22126/JCCL.2022.6717.2287



خوانش تطبیقی مؤلفه‌های فانتزی در رمان‌های ارض زیکولا از عمرو

عبدالحمید و شوومان از نازنین جودت

هادی نعامی^۱ | مریم جلیلیان^۲ | حسین چراغی‌وش^۳

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه:

naami.teacher26@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه، زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه:

jalilian.ma@lu.ac.ir

۳. استادیار گروه، زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه:

h.cheraghivash@basu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

ادبیات فانتزی گونه‌ای نو در ادبیات است که اصلی‌ترین مشخصه آن، استفاده از قدرت خیال و خلاقیت در گریز از جهان و چارچوب‌های شناخته‌شده آن و درهم شکستن قوانین طبیعت است. در ادبیات فانتزی همه وقایع بر پایه خیال شکل می‌گیرد و فانتزی نویسان، جهانی متشکل از عناصر و حوادث عجیب، موجودات و فضایی خارق‌العاده و قواعدی منحصر به فرد را می‌آفرینند. در دو رمان ارض زیکولا و شوومان، شباهت‌های قابل توجهی در استفاده از عناصر فانتزی دیده می‌شود. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد که با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های فانتزی در این دو اثر، وجوه اشتراک آن‌ها را تبیین نماید. برخی از بن‌مایه‌های فانتاستیک مشترک در این دو اثر شباهت در طرح داستان و شخصیت اصلی، به کارگیری تلفیقی از شخصیت‌های حقیقی و خیالی، استفاده از کنش‌های کارکردی مشابه مانند طلسم، تصادف و یاری‌گری و همچنین اصول فانتزی مشترک از جمله شگفتی و هیجان، تعلیق ارادی ناباوری، دگردیسی و اصل پایان باز است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

واژه‌های کلیدی:

ادبیات فانتزی،

ارض زیکولا،

شوومان،

عمرو عبدالحمید،

نازنین جودت.

استناد: نعامی، هادی؛ جلیلیان، مریم؛ چراغی‌وش، حسین (۱۴۰۲). خوانش تطبیقی مؤلفه‌های فانتزی در رمان‌های ارض زیکولا از عمرو

عبدالحمید و شوومان از نازنین جودت. *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۳ (۲)، ۱۴۱-۱۶۲.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JCCL.2022.6717.2287

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

برخی آثار ادبی با نگرشی خلاقانه نسبت به واقعیت و درک هستی به نگارش درآمده‌اند. در این آثار قوانین طبیعی نقض و جهانی با قوانین ناممکن خلق می‌شود. جهانی که فقط می‌تواند در ذهن مجسم شود و مصداق واقعی ندارد. قوه خیال همواره ابزاری قدرتمند برای انسان محصور در عالم طبیعت است که او را برای مدتی هرچند محدود، به سرزمین افسانه‌ها و اسطوره‌ها می‌برد. در این گونه آثار، مخاطب گاه با موجودات خیالی و شگفت روبرو می‌شود و گاهی به مکانی وارد می‌شود که آرزوها و رؤیاهای ازدست‌رفته خود را در آنجا پیدا می‌کند. مکان‌هایی که مشابهی در جهان واقعی ندارند. در عصر پسامدرن این ابزار نیز دست‌خوش تحولاتی شده و در ساختاری متفاوت و با عنوان فانتزی ظهور یافته است. این گونه ادبی جدید ارتباط تنگاتنگی با ادبیات کهن دارد و تلاش می‌کند که از عناصر سنتی، به شکلی نوین بهره گیرد.

«نخستین فانتزی‌ها در غرب، در قرن نوزدهم، در عصر ویکتوریا خلق شدند. با گذر زمان و فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در دیگر کشورها همچون آمریکا، ایتالیا، فرانسه، سوئد و آلمان نیز فانتزی‌های ارزشمندی به نگارش درآمدند» (موسوی و جمالی، ۱۳۸۸: ۶۱) و از طریق ترجمه وارد زبان‌های دیگر شدند. ادبیات فانتزی گونه‌ای از داستان‌های مدرن و امروزی است که تمامی عناصر داستان همچون شخصیت، طرح، فضاسازی، درون‌مایه و عنصر خیال در آن نقش پررنگی را ایفا می‌کند؛ به شکلی که عناصر غیرواقعی را به داستان تزریق می‌کند و هسته تخیلی داستان را شکل می‌دهد. در داستان‌های فانتزی نویسنده به گونه‌ای عمل می‌کند که دنیای خیالی و دنیای واقعی را باهم درمی‌آمیزد و آن را برای مخاطب کاملاً باورپذیر می‌کند.

در ادبیات فارسی و عربی نیز رگه‌هایی از فانتزی و تخیل در آثار کهن این دو ملت مانند شاهنامه فردوسی و هزار و یک شب دیده می‌شود که اساس آن‌ها بر تخیل استوار است و در همان حال «از جهان واقعی نیز کمک گرفته و آن را با جهان مجهول و غریب ترکیب ساخته است» (بن جامع، ۲۰۱۰: ۲۵). نویسندگان این عرصه تلاش می‌کنند تا با رها شدن از قید و بند تقلید و با بهره‌گیری از قوه خیال در کاربست افسانه‌های کهن، فانتزی‌هایی بدیع بیافرینند.

عمرو عبدالحمید، پزشک جوان مصری و از نویسندگان جهان عرب در حوزه ادبیات فانتزی است. او رمان/رض زیکولا را در ژانر فانتزی و در سال ۲۰۱۰ م منتشر کرد که با استقبال فراوان مخاطبان مواجه شد. «نازنین جودت» نیز از نویسندگان ایرانی در حوزه ادبیات فانتزی است. او کتاب *شوومان* را در سال ۱۳۹۳

منتشر کرد که در آن به تبع بسیاری از افسانه‌های کهن ایرانی، تقابل جن و پری را به تصویر کشیده است. او اولین نویسنده زن ایرانی است که صاحب اثر در ژانر وحشت است. شباهت‌ها و نقاط اشتراک فراوانی در نحوه داستان‌پردازی و استفاده از عناصر فانتاستیک بین این دو اثر دیده می‌شود که قابل تأمل و بررسی است.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

ادبیات فانتزی با توجه به اهمیت آن در جهان معاصر و تمایل نسل نو به سمت این نوع جدید ادبی و از آنجا که نسبت به ژانرهای دیگر کمتر به آن پرداخته شده، درخور توجه و بررسی بیشتر است؛ پژوهش حاضر در پی آشنایی بیشتر با آثار فانتزی و تطبیق و مقایسه این ژانر در ادبیات فارسی و عربی با تکیه بر رمان‌های «ارض زیکولا» و «شوومان» است و سعی دارد که به واکاوی، تحلیل و بررسی وجوه اشتراک و مقایسه عناصر فانتاستیک در دو رمان مذکور بپردازد.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- مهم‌ترین مؤلفه‌های فانتزی و شگردهای نویسندگان در به کارگیری آن‌ها در هر یک از دو رمان چیست؟
- وجوه اشتراک دو رمان ارض زیکولا و شوومان در کاربری عناصر فانتزی‌ساز کدامند؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

درباره کتاب ارض زیکولا همچنین سایر آثار عمرو عبدالحمید، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. درباره رمان «شوومان» نیز تنها مقاله کوتاهی با عنوان «نگاهی به رمان شوومان نوشته نازنین جودت» در روزنامه آرمان (۹۳/۱۱/۱۵) به چاپ رسیده است؛ اما در خصوص ادبیات فانتزی پژوهش‌هایی انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

از جمله این پژوهش‌ها در حیطه ادبیات فارسی مقاله جلالی و پورخالقی (۱۳۸۹)، با عنوان «فانتزی و شیوه‌های فانتزی‌سازی شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان»، است که به اهداف فانتزی‌سازی در داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی پرداخته است. سپس عناصر سازنده این نوع را که شامل شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی، دورنمای پردازی و راه‌های ورود به فانتزی می‌شود را با برخی از داستان‌های شاهنامه مطابقت داده و با توجه به این قیاس، بخش‌های مناسب برای فانتزی‌سازی شاهنامه را معرفی کرده است.

مقاله «انواع داستان‌های فانتزی کودکان بر اساس شخصیت‌های داستانی» از همتی و مرسلی (۱۳۹۴)، به تقسیم‌بندی گونه‌های مختلف این داستان‌ها از نکته‌نظر شخصیت‌های داستانی به همراه نمونه‌های موفق ساخته‌شده از نویسندگان ایرانی، بپردازند.

پایان‌نامه «واکاوی عناصر فانتزی در هزار و یک شب»، پوررضا علی (۱۳۹۶)، در این پایان‌نامه پس از مروری بر معرفی و اهمیت هزارویک‌شب، به تعریف فانتزی و انواع آن در هزارویک‌شب و تحلیل موارد یافت شده پرداخته است.

تنها پژوهشی که به بررسی تطبیقی میان ادب فارسی و عربی پرداخته، پایان‌نامه «الفانتازیا فی روایتی فرانکشتین فی بغداد لاحمد سعداوی و آزاده‌خانم و نویسنده‌اش رضا براهینی دراسة نقدیة مقارنۃ»، نوشته کاشی‌پور (۱۳۹۵) است. در این پژوهش بررسی میزان پیشرفت رمان نو در دو کشور ایران و عراق و دستیابی به مسائل اجتماعی، جایگاه میراث ادبی و اساطیر مورد مطالعه قرار گرفته است.

عناوین پژوهش‌های فوق‌گویی این است که تطبیق و مقایسه این نوع ادبی در ادب فارسی و عربی به‌ندرت صورت گرفته است. همچنین به دو نویسنده مذکور و هیچ‌یک از آثار آنان نیز پرداخته نشده است. پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه ژانر فانتزی در ادبیات فارسی و عربی با تکیه بر رمان‌های ارض زی‌کولا و شوومان پرداخته و در پی نشان دادن وجوه اشتراک آن‌ها است. مهم‌ترین دلیل انتخاب این دو اثر، افزون بر نو بودن، بن‌مایه‌های مشترک فانتاستیک در طرح داستان و شخصیت‌پردازی و تشابه در اصول و کنش‌های فانتزی به‌کاررفته در دو داستان است.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

این پژوهش بر پایه اصول فانتزی مطرح‌شده در کتاب «فانتزی در ادبیات کودکان» اثر محمد محمدی انجام گرفته و در یک دسته‌بندی کلی به بررسی اصول و عناصر فانتزی پرداخته است. عناصر فانتزی شامل طرح داستان، درون‌مایه، شخصیت‌پردازی، فضاسازی و کنش‌های مختلف فانتاستیک است و در بررسی اصول آن به مواردی از قبیل شگفتی، ترس و هیجان، تعلیق ارادی ناباوری، بازی‌های زبانی، دگرپرسی و دگرگونی و اصل پایان باز، پرداخته می‌شود.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. تعریف فانتزی

واژه فانتزی اولین بار توسط «تالکین» در مقاله‌ای به نام «داستان‌های پری» ذکر شد (حاجی ملاحسین، ۱۳۸۹: ۵۱). فانتزی به شکل‌های مختلفی تعریف شده است؛ فانتزی در لغت‌نامه دهخدا این‌گونه تعریف شده است: «خیال، وهم، تصور، هوی و هوس، میل، خواست، خواهش طبع، تفنن و دارای شکل و طرح نو و غیر رسمی و غیر سنتی» (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۰۸۸). فرهنگ واژگان انگلیسی آکسفورد واژه فانتزی را به دو شکل «fantasy» و «phantasia» آورده است که به معنای به‌رؤیت درآوردن و تخیل کردن است. در مکملی که

در سال ۱۹۷۲ به این تعریف اضافه شده، فانتزی را «ترکیبی ادبی در ارتباط با چیزهایی که نه هستند و نه می‌توانند باشند، دانسته است» (نیدلمن، ۱۳۷۹: ۹).

در داستان‌هایی با محتوای فانتزی، قوانین طبیعی زیر پا گذاشته می‌شود و جهانی با قوانین خاص خلق می‌شود. «فرهنگ جامع وبستر»، ادبیات فانتزی را ادبیات تخیلی تعریف کرده است که فضای ناآشنایی مثل زمان‌ها و دنیاها را دیگر با شخصیت‌ها یا موجودات غیرطبیعی و فراطبیعی دارد و از این طریق تأثیرگذار است (به نقل از محمدی، ۱۳۷۸: ۱۱۸). میرصادقی معتقد است که داستان خیال و وهم یا فانتزی، «دوری آگاهانه از دنیای واقعی را به نمایش می‌گذارد که با جهان واقعی اشیاء و اندیشه‌ها ارتباط اندکی دارد و با دنیای خیالی پریان، جن‌ها، دیوها، کوتوله‌ها، غول‌ها و دیگر پدیده‌های غیر واقعی سروکار داشته باشد» (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). در ادبیات فانتزی به‌عنوان رویکردی از داستان‌های مدرن، تمامی عناصر داستان به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد که امور غیرواقعی را به داستان تزریق و هسته تخیلی داستان را شکل دهد.

۲-۲. بحث و بررسی دو رمان ارض زیکولا و شوومان

۲-۲-۱. خلاصه رمان ارض زیکولا

قهرمان داستان ارض زیکولا، «خالد حسنی»، جوان ۲۸ ساله مصری است. او بارها از «منی» دختر مورد علاقه‌اش خواستگاری کرده و همواره با مخالفت پدر وی مواجه شده است؛ زیرا پدر منی، معتقد است که داماد او باید فردی منحصر به فرد و متفاوت باشد. خالد نیز برای برآوردن این شرط تصمیم می‌گیرد تا وارد زیرزمین «فوریک» شود و به گنجینه‌های احتمالی آنجا دست یابد. این زیرزمین در نزدیکی شهر وجود داشت و هیچ‌یک از افرادی که وارد آن شده بودند، هرگز بازنگشتند. خالد به‌سختی وارد زیرزمین می‌شود، اما پس از ورود، دیواره‌های غار ریزش می‌کند و ناچار پا به فرار می‌گذارد و از آنجا خارج می‌شود و خود را در صحرایی عجیب می‌یابد که در نزدیکی آن صحرا شهری سرسبز توجّه خالد را به خود جلب می‌کند. او به کمک درشکه به آنجا می‌رود و به محض ورود به آن شهر که زیکولا نام داشت، درد و لرزشی شدید تمام وجودش را فرا می‌گیرد.

خالد با شخصی به نام «یامن» آشنا می‌شود و از طریق او متوجه می‌شود که معاملات اقتصادی زیکولا با پول یا طلا و نقره انجام نمی‌شود، بلکه بر اساس واحدهایی از بهره هوشی هر فرد انجام می‌پذیرد و به‌صورت خودکار از هوش او کسر می‌شود و به همان میزان، نادان و به عبارتی فقیر می‌شود. در پایان هر سال فقیرترین شخص شناسایی و در عید زیکولا گردن زده می‌شود. او تصمیم می‌گیرد از زیکولا برود اما دروازه شهر

بسته شده بود و باید یک سال منتظر می ماند تا امکان خروج از آن فراهم شود.

خالد به طور تصادفی با دختری به نام «اسیل» که طیب زیکولا بود، آشنا می شود. اسیل و یامن، به خالد کمک می کنند تا بتواند راهی برای خارج شدن از زیکولا پیدا کند. خالد کتابی را نزد شخصی به نام «هلال» می یابد که در آن راه خروج از زیکولا نوشته شده بود. خالد درمی یابد که هلال برادر او است که در زیکولا به دنیا آمده است. او کتاب را در ازای پرداخت بخش قابل توجهی از بهره هوشی خود از برادرش می خرد. در آن کتاب راه خروج از زیکولا به صورت معما طرح شده بود. خالد به کمک اسیل و یامن معما را رمزگشایی می کند. سپس برای خروج از زیکولا و عبور از دیوارهای بلند آن که شبانه روز توسط سربازها محافظت می شد، کارگرانی را اجیر می کند تا تونلی را حفر کنند. به همین دلیل واحدهای هوشی زیادی را از دست می دهد و نادانی بر او غالب می شود. خالد توسط سربازان دستگیر می شود و همراه سایر فقیران شهر نزد اسیل فرستاده می شود.

اسیل، ناچار خالد را به همراه دو نفر دیگر به عنوان فقیرترین اهالی زیکولا انتخاب می کند. در نهایت خالد به عنوان فقیرترین فرد زیکولا انتخاب می شود و روز بعد باید گردن زده شود؛ اما اسیل نزد خالد می رود و از او می خواهد که او را ببوسد. روز بعد هنگامی که خالد را برای اعدام می برند، مردم زیکولا درمی یابند که خالد فقیر نیست. اسیل تمام ثروتش را به او بخشیده و از شهر خارج شده بود. حاکم نیز از اعدام او صرف نظر می کند. سپس خالد از طریق تونل، به شهر خود بازمی گردد و با منی ازدواج می کند اما همچنان به اسیل و بازگشت به زیکولا می اندیشد.

۲-۲-۲. خلاصه رمان شوومان

داستان با انتقال معلم جوانی به نا «حوریا» به روستای «شوومان» آغاز می شود. او جایگزین آقای فرهادی شده که به دلیل بیماری ذات‌الریه در شوومان در گذشته است. حوریا در همان ابتدای ورود به شوومان با «عامر» آشنا می شود و به او دل می بندد، اما در جریان داستان، با صحنه‌های عجیبی روبرو می شود. نقش‌های روی دیوار خانه شیخ بادزار حرکت می کردند. او پس از آن که وارد خانه شیخ بادزار می شود با مشاهده چهره اهالی شوومان که کش آمده بود، بی‌هوش می شود. «سُفیا» که خدمتکار شخصی شیخ بادزار است، مأمور شده تا در خدمت او باشد.

همه چیز در شوومان عجیب به نظر می رسد. هوای شوومان سرمای طاقت‌فرسایی داشت. حوریا که به شدت به سرما حساس بود، با تسبیحی که شیخ بادزار بر گردن او افکند، احساس گرما می کند. حوریا به مدرسه می رود و در آنجا با «تینار»، «اشوان» و سایر دانش آموزان آشنا می شود. بعد از گذشت چند روز

متوجه می‌شود که آقای فرهادی نمرده، بلکه خود را در نخلستان مخفی کرده است. حوریا با دیدن شیخ بادزار که به شکل گراز درآمده است، هراسان می‌شود. در ادامه، حامینار، خاله حوریا تمام واقعیت را برای او شرح می‌دهد. داستان از این قرار است که مادر حوریا پری‌سان بوده و برای اینکه با شیخ بادزار ازدواج نکند، از شوومان فرار می‌کند و با ارشک ازدواج می‌کند؛ اما شیخ بادزار آن‌ها را پیدا می‌کند و پدر و مادرش را به قتل می‌رساند و دخترشان حوریا را نزد حامینار، (که حوریا گمان می‌کرد خاله‌اش است)، می‌سپارند تا بزرگ شود.

شیخ بادزار تصمیم داشت با حوریا ازدواج کند تا شیخ بعدی شوومان از او متولد شود. شیخ بادزار که به شکل گراز درآمده بود به حوریا حمله می‌کند و حوریا موفق می‌شود که او را از پای درآورد. بعد از این ماجرا، عامر و مردم شوومان وانمود می‌کنند که شیخ بادزار مرده است. چند روز بعد تینار به صورت زنی، برای معاینه حوریا می‌آید و به او می‌گوید که از شیخ بادزار باردار است. حوریا غافلگیر و به شدت اندوهگین می‌شود. تینار، پنهانی نامه‌ای را به حوریا می‌دهد. آن نامه از طرف آقای فرهادی است.

حوریا به خاطر بارداری هرروز ضعیف‌تر و لاغرتر می‌شود. او خود را به مدرسه می‌رساند. در آنجا تینار به او می‌گوید که باید هرچه زودتر به همراه آقای فرهادی از شوومان فرار کند. سپس به حوریا کتابی می‌دهد که با خواندن آن همه حقیقت برایش روشن می‌شود. شیخ بادزار باید با حوریا ازدواج کند تا فرزندی به دنیا بیاید. زنان شوومان به خاطر ازدواج شیخ بادزار با سفیا و به دنیا آمدن سامینار، نازا شده بودند. هنگامی که صد و بیستمین شیخ شوومان به دنیا بیاید، سامینار باید قربانی شود و زنان از خون او بنوشند تا باروری خود را به دست آورند. تینار به حوریا می‌گوید که دوره بارداری جن‌ها، سه‌ماهه است؛ یعنی قبل از پایان زمستان فرزندش به دنیا می‌آید. حوریا تصمیم می‌گیرد که فرزندش را در مدرسه به دنیا بیاورد تا سفیا، بلایی بر سر او نیاورد. تینار خروسی را آماده کرده بود تا سر ببرند و خون آن را به خود بمالند تا هیچ‌کس از اهالی شوومان که جن هستند، نتواند به آن‌ها نزدیک شوند. کودک به دنیا می‌آید. حوریا تصمیم می‌گیرد فرزندش را از شوومان خارج کند که درنهایت موفق می‌شود اما بنا به قول نویسنده این تازه آغاز ماجرا است.

۳-۲. بررسی عناصر فانتاستیک در دو رمان ارض زیکولا و شوومان

فانتزی به‌جای توصیف جهان عینی به خلق دنیایی ماورائی و ذهنی می‌پردازد که اصول و قواعدی متمایز و حیرت‌انگیز دارد. فانتزی‌نویسان با علم به این امر، ساختار اصلی داستان مانند پیرنگ، شخصیت‌پردازی،

موضوع و درون‌مایه، کنش‌ها و استفاده از زمان و مکان را به گونه‌ای شکل می‌دهند که بهترین عرصه را برای نمود و ظهور خیال و خیال‌پردازی فراهم نماید.

۱-۳-۲. طرح (پیرنگ)

در گذشته، منتقدان عقیده داشتند که پیرنگ تنها سلسله‌ای از حوادثی است که ممکن است باهم ارتباطی نداشته باشند؛ اما امروزه، پیرنگ را به‌عنوان رابطه‌ی علی و معلولی بین حوادث داستان می‌شناسند. پیرنگ داستان، هنگامی خوب است که در آن رویدادی، علت وقوع رویداد بعدی باشد (مندنی‌پور، ۱۳۶۲: ۳۴۰-۳۸۸). «یکی از آفت‌های فانتزی‌ها، آشفتگی در تخیل و درهم‌تنیدگی منطق درونی داستان است» (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۶: ۱۶۱). وجود شخصیت‌ها و ماجراهای شگفت‌انگیز در فضای فانتزی باعث می‌شود که نویسنده آزادی عمل داشته باشد، ولی در عین حال باید از منطق داستانی که خود او آفریده است، پیروی کند و این مسئله بسیار مهم است.

پیرنگ رمان ارض زیکولا بر پایه‌ی ماجراجویی «خالد» برای دست یافتن به گنج و فرار وی از سرخوردگی ناشی از شکست در رسیدن به «منی» پی‌ریزی شده است. طرح داستان با خواستگاری خالد برای هشتمین بار از منی و مخالفت پدر او آغاز می‌شود و با رفتن خالد به زیرزمین فوریک و قدم نهادن در سرزمین زیکولا ادامه پیدا می‌کند و در نهایت پس از کش‌وقوس‌های فراوان با خارج شدن او از زیکولا و بازگشت به شهر خود، به پایان می‌رسد. به نظر می‌رسد که این رمان دارای طرحی ساده، واضح و روشن است. رویدادها به لحاظ اهمیت، رویدادهای اصلی هستند و هرگونه حذف یا دگرگونی در آن‌ها، در روند منطقی داستان خلل ایجاد می‌کند. ورود خالد به زیرزمین فوریک، پانهادن در سرزمین زیکولا، معامله بر اساس واحدهایی از بهره‌هوشی، آشنایی با اسیل و یامن، پیدا کردن کتاب و ... رویدادهای فانتاستیکی هستند که در آن‌ها هیچ‌گونه گسست روایی دیده نمی‌شود.

نویسندگان غالباً بر اساس ذهنیتی که در خلق اثر دارند و همچنین پیشینه‌ی تاریخی و جغرافیایی خود، طرح خاصی را برای داستان فانتاستیک انتخاب می‌کنند. ادبیات داستانی فانتاستیک در ایران همواره قصه‌های تقابل جن و پری را به تصویر کشیده است. «قصه‌های جن و پری ... راه‌هایی برای گریز از وسوسه‌های ذهنی مان پیش پای ما می‌گذارند. به طرزى طنزآمیز هر چه زندگی خیال‌پردازانه ما غنی‌تر و متنوع‌تر باشد، بهتر می‌توانیم از پس واقعیت برآیم» (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۱۴۴-۱۴۵). در رمان شوومان نیز طرح داستان بر پایه وجود جن و پری است. حوریا معلم جوانی است که به روستای ناشناخته‌ای پا می‌گذارد و در آنجا با

موجودات عجیب و رویدادهای شگفت روبرو می‌شود. این رمان از نوع فانتزی گوتیک^۱ است. رمانی که سراسر آن ترس و وحشت است. جهان وقوع رویدادها، تلفیقی از دنیای واقعی و فراتری است. رویدادها در جهان واقعی اتفاق می‌افتد؛ اما شخصیت‌هایی که در آن ظاهر می‌شوند و همچنین کنش‌های فانتاستیکی که به وقوع می‌پیوندد، آن را از جهان واقعی جدا می‌دارند.

طرح هر دو اثر بر پایه ورود قهرمان داستان به مکانی ناشناخته پی‌ریزی شده است. این طرح از نقطه‌ای بر روی کره خاکی شروع می‌شود. سپس شخصیت‌ها به جهان فراتری که ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است، وارد می‌شوند. در هر دو اثر، شاهد وقوع رویدادها و دشواری‌های فراوانی بر سر راه قهرمان داستان هستیم که با کمک یاری‌گرانی که از برخی وقایع و امور پنهان آگاه هستند و اغلب با چاشنی خوش‌شانسی، ختم به خیر می‌شوند. مورد دیگر، وجود کتابی است که در آن راه نجات قهرمان داستان نوشته شده است. خالد در جستجوی کتابی بود که راه خروج از زیکولا را نشان می‌داد. در شوومان نیز کتابی به دست حوریا می‌رسد که در آن علت تمامی رویدادهای شوومان و راه نجات حوریا را توضیح می‌دهد؛ بنابراین، هر دو نویسنده برای پیشبرد وقایع داستان، از عنصر «کتاب» استفاده می‌کنند تا از سویی ابهامات ذهنی مخاطب را برطرف سازند و از سوی دیگر حوادث و رویدادها باورپذیرتر جلوه کنند.

شخصیت‌های اصلی در یک‌سالگی پدر و مادر خود را ازدست داده بودند اما از نحوه درگذشت آن‌ها اطلاعی نداشتند. آن‌ها در جریان ورود به آن سرزمین‌های خیالی به نحوه درگذشت والدین خود پی می‌برند. خالد متوجه می‌شود که در منطقه شمالی زیکولا برادری به نام هلال دارد و پدرش توسط او به قتل رسیده و مادرش نیز چند سال قبل در زیکولا به مرگ طبیعی فوت کرده بود. در رمان شوومان نیز، حوریا متوجه می‌شود که پدر و مادرش توسط شیخ بادزار به قتل رسیده‌اند.

۲-۳-۲. شخصیت و شخصیت‌پردازی

شخصیت و شخصیت‌پردازی از مهم‌ترین عناصر داستان هستند که نویسنده از طریق آن می‌تواند به شخصیت‌های داستان، چهره واقعی ببخشد (شیرواتی و کهدویی، ۱۳۸۸: ۷۲). اولین موردی که مخاطبان با خواندن داستان‌های فانتزی انتظار دارند، حضور شخصیت‌هایی با ویژگی‌های شگفت‌انگیز است.

در ارض زیکولا با شخصیت‌هایی در دنیای فراتری روبرو هستیم که همه آن‌ها افرادی معمولی هستند و خواننده برای درک آنان با دشواری روبرو نمی‌شود. مهم‌ترین ویژگی این شخصیت‌ها، در غیر طبیعی بودن دادوستد در معاملات تجاری است. این ویژگی آن‌ها، با معیارهای واقعی جهان، مطابق نیست و با

شخصیت‌های دنیای واقعی نیز متفاوت است. در شوومان نیز، با دو نوع شخصیت روبرو هستیم، اول، شخصیت‌های واقعی با ماهیت انسانی مانند حوریا و آقای فرهادی و دیگری اجنه که از افسانه‌ها و اسطوره‌ها، اقتباس شده‌اند. اگرچه جن موجودی زمینی و حقیقی است، اما نویسنده، با تغییراتی که در ویژگی‌های آن‌ها (مانند کش آمدن صورت و عمودی شدن چشم‌ها) ایجاد کرده، آن‌ها را به صورت موجوداتی خیالی تصویر کرده است که واقعیت بیرونی ندارند و درواقع به بازآفرینی آن‌ها پرداخته است.

شبهات‌هایی میان قهرمانان اصلی داستان‌ها یعنی خالد و حوریا وجود دارد؛ آن‌ها جوان، عادی و عاری از هرگونه نیروی خارق‌العاده هستند. خالد و حوریا هر دو جوان هستند. آن‌ها در کودکی و هنگامی که یک‌ساله بوده‌اند، پدر و مادر خود را به دلایلی نامعلوم، ازدست داده‌اند. خالد با پدر بزرگ خود و حوریا با خاله خود (خاله ساختگی‌اش) زندگی می‌کردند. آن‌ها مجرد بوده و برخلاف میل خود به سرزمین ناشناخته‌ای قدم می‌گذارند و هر دو پس از ورود به مکان‌های ذکر شده، عاشق می‌شوند.

۲-۳-۳. کنش

یکی از اجزای تشکیل‌دهنده داستان‌های فانتزی، کنش‌های فانتاستیک هستند که «مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های آن‌ها در فراطبیعی بودن یا غیرعادی بودن آنان است» (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۸). کنش به عنوان یکی از عناصر اصلی ساختار داستانی، به تخیل نویسنده جهت می‌دهد (چالاک، موسوی: ۱۳۹۸: ۷). نویسندگان فانتزی، کنش‌های کارکردی را متناسب با بن‌مایه داستان به کار می‌برند. این کنش‌ها می‌تواند نفوذ و رخنه موجودات فانتاستیک به جهان روزمره، سخنگویی جانوران، فانتزی‌هایی با بن‌مایه آرزوهای شخصیت اصلی و فانتزی رؤیاها باشد. کنش‌های کارکردی طلسم، علت و سبب، تصادف، معما و کشف راز و یاری‌گری در هر دو رمان دیده می‌شود که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۳-۳-۱. کنش کارکردی طلسم شدن و شکستن طلسم

در ارض زیکولا هنگامی که خالد از دروازه شهر زیکولا عبور کرد، لرزشی شدید در بدن و درد بسیار زیاد و کشنده‌ای را در سر خود احساس نمود و آن‌چنان شدتی داشت که خالد بر روی زانوهای خود افتاد (عبدالحمید، ۲۰۱۱: ۶۱). از این رویداد می‌توان دریافت، هر کس که وارد شهر زیکولا شود، طلسم خواهد شد و از آن پس نوع معاملات اقتصادی او بر اساس هوش و ذکاوتش انجام می‌پذیرد. این کنش تمام رویدادهای داستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کنشی که زیکولا را به شهری خاص تبدیل می‌کند و شالوده اصلی قوانین و قواعد خاص زیکولا بر پایه آن است.

در شوومان، نویسنده در دو بخش از داستان از کنش کارکردی طلسم شدن و طلسم شکستن بهره گرفته

است. حوریا علی‌رغم زیبایی‌اش تا به حال نظر هیچ مردی را به خود جلب نکرده است. در ادامه، حوریا متوجه می‌شود که توسط شیخ بادزار طلسم شده است که هیچ مردی به او علاقه‌مند نشود. همچنین زنان شوومانی به دلیل ازدواج شیخ بادزار با سفیا و به دنیا آمدن، سامینار، دچار نازایی شده‌اند و در صورتی این طلسم شکسته خواهد شد که شیخ بادزار با پری‌سان ازدواج کند و فرزندی به دنیا بیاید و سامینار در پای گهواره او قربانی شود و زنان شوومانی از خون آن بنوشند تا باروری خود را بازیابند؛ بنابراین شخصیت‌های اصلی هر دو داستان به نوعی گرفتار طلسم شده و در پی شکستن آن برمی‌آیند.

۲-۳-۳-۲. کنش کارکردی علت و سبب

یکی از مهم‌ترین کنش‌های دو رمان، کنش علت و سبب است «کنش علت و سبب، انگیزه شخصیت‌ها را برای کنش‌های بعدی شکل می‌دهد و باعث زنجیره‌ای از کنش‌ها می‌شود» (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۳۱)؛ زیرا هر کنشی در داستان‌های فانتزی، باید سببی داشته باشد و خواننده بدون آن نمی‌تواند با داستان به خوبی ارتباط برقرار کند. در ارض زیکولا، خالد کودکی را از غرق شدن نجات می‌دهد و در قبال آن هیچ مزدی نمی‌خواهد. این رویداد برای اهالی زیکولا عجیب است، زیرا آن‌ها هر کاری را تنها در قبال دریافت بخشی از بهره هوشی انجام می‌دادند. در این هنگام اسیل از راه می‌رسد و از دیدن مهارت خالد در احیای آن کودک بی‌هوش، شگفت‌زده می‌شود. این رویداد سبب آشنایی خالد و اسیل می‌شود. در ادامه، خالد افزون بر کمک‌های اسیل، به سبب کارهای نیکو او در حق برخی از اهالی زیکولا، مورد حمایت مردم این سرزمین قرار می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود که حاکم از اعدام او صرف‌نظر کند.

در شوومان، حوریا هر روز صبح با گرسنگی شدید و ضعف و بی‌حالی بیدار می‌شود، در حالی که از شب قبل چیزی را به یاد نمی‌آورد. علت امر این بود که شبانه، شیخ بادزار و سفیا نزد او می‌آمدند و از بوی بدن او تغذیه می‌کردند و این سبب می‌شد که دچار ضعف و بی‌حالی شود. همچنین دلیل کمک کردن تینار به حوریا این بود که او و اشوان عاشق هم بودند و شیخ بادزار با ازدواج آن‌ها مخالفت می‌کرد و دستور داده بود که تینار با آقای فرهادی ازدواج کند. از این رو تینار تصمیم می‌گیرد به حوریا کمک کند که با آقای فرهادی از شوومان فرار کند و در نتیجه تینار به اشوان برسد. به این ترتیب در پی کنش علت و سبب، سلسله‌ای از وقایع در هر دو داستان شکل می‌گیرد.

۲-۳-۳-۳. کنش کارکردی تصادف

با توجه به ناقص بودن شبکه علی و معلولی در داستان‌های فانتزی، کنش کارکردی تصادف می‌تواند جایگزین بسیاری از علت‌ها باشد. «کنش کارکردی تصادف، سازنده موقعیت‌های پیش‌بینی نشده در داستان

است.» (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۳۱). خالد زمانی وارد زیرزمین فوریک شد که به‌صورت تصادفی روز قبل از عید زیکولا بود و در آن روز دروازه‌های شهر را گشوده بودند. در جای دیگر داستان هنگامی که خالد جشن و پای‌کوبی مردم زیکولا را مشاهده می‌کند، دختری به وی پیشنهاد دوستی و همراهی می‌دهد اما خالد پیشنهاد او را رد می‌کند. در میانه داستان به‌صورت تصادفی در منطقه شمالی، همان دختر، خالد را از وجود کتاب و برادرش هلال مطلع می‌سازد و نشانی آن‌ها را به خالد می‌دهد.

رویداد بعدی که خالد را امیدوار به یافتن کتاب کرد، این بود که خالد کودکی که به حال مرگ افتاده بود را نجات می‌دهد. ازقضا، مادر همان کودک به خالد می‌گوید که در نوجوانی شخصی را با شکل و شمایل خالد در منطقه شمالی دیده که زنی نیز همراه او بوده است. نویسنده بارها از این کنش برای توجیه رابطه علی و معلولی در پیشبرد رویدادهای داستان بهره گرفته و موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای را رقم زده است، به‌گونه‌ای که داستان از نظم منطقی خود خارج نشود. در شوومان نیز هنگامی که حوریا از خواب بیدار می‌شود، متوجه حضور عامر و سفیا در اتاقش شده و به مکالمه آن‌ها گوش می‌دهد و متوجه می‌شود که او را با طرح و نقشه قبلی به روستای شوومان کشانده‌اند. همچنین او در مکان مقدس به شکلی تصادفی مشاهده می‌کند که آقای فرهادی زنده است و متوجه دروغ و مکر شوومانی‌ها می‌شود؛ بنابراین سیر داستان به‌خوبی پیش می‌رود، بی‌آنکه مخاطب از خواندن آن دل‌زده شود.

۴-۳-۲. کنش معما و کشف راز

پس از آن که خالد کتاب را به دست می‌آورد، با معمایی در آن روبرو می‌شود: «هرکس بخواهد به زیرزمین فوریک برسد، باید وارد زیکولا شود. همانند آفتاب باشد و صخره‌ها را بتراشد. پس در ورودی زیرزمین را دقیقاً روبه‌روی خود خواهد یافت» (عبدالحمید، ۲۰۱۱: ۲۴۷). خالد در پی کشف این معما برآمد و در نهایت توانست به کمک اسیل، یامن و ایاد راز آن را کشف کند.

در شوومان، حوریا می‌بیند که شوومانی‌ها تنها از دو رنگ قرمز و زرد در لباس‌ها و معماری‌های خود استفاده می‌کنند. همچنین همه زنان شوومان دامن بلند پوشیده بودند و هرچه حوریا تلاش می‌کرد نمی‌توانست پاهایشان را ببیند. در ادامه داستان، او به جواب معماها دست می‌یابد: «شبر برای ما نماد قبیله‌مان است. برگ سه‌تکه‌اش برای ما نشانه سه حرف آتش است و سه رنگ آتش. سرخ، زرد و آبی که بعد از فرار پری‌سان از شوومان، شیخ بادزار رنگ آبی را ممنوع کرد. رنگی که باعث نفرین شوومان شد» (جودت، ۱۳۹۳: ۱۸۵). همچنین به‌دلیل اینکه زنان شوومان به‌جای پا، سم داشتند، دامنی بلند می‌پوشیدند تا حوریا متوجه جن بودن آن‌ها نشود.

۵-۳-۲. کنش کارکردی یاری‌گری

خالد برای یافتن راه‌حل و کشف معمای کتاب، از اسیل و یامن درخواست کمک می‌کند «اسیل، باید فکر کنی. باید مرا کمک کنی. تو ثروتمندی؛ یعنی باهوشی. تو به مراتب از ما باهوش‌تری. اسیل سکوت می‌کند. خالد رو به یامن کرد: تو زیکولا را از من بهتر می‌شناسی، باید فکری کنی. باید...» (عبدالحمید، ۲۰۱۱: ۲۶۰). پس از آنکه خالد از اسیل و یامن کمک خواست، آن‌ها پذیرفتند که او را در کشف معما، یاری کنند. همچنین زمانی که خالد به عنوان فقیرترین فرد زیکولا انتخاب می‌شود و روز بعد باید گردن زده شود، اسیل تمام ثروتش را به خالد بخشیده و از شهر خارج شده بود. این مسئله، در تضاد با خصلت‌های مردم زیکولا بود. چرا که آن‌ها کمتر از فکر خود استفاده می‌کردند. دلیل کمک کردن اسیل و یامن به خالد، دوستی عمیق خالد و یامن، همچنین عشق و علاقه متقابل اسیل و خالد بود. نویسنده به کمک اصول و قوانینی که برای دنیای فانتزی خود وضع کرده، به خوبی توانسته است برخی از حقایق متعالی از جمله فداکاری، عشق و انسان‌دوستی را به نمایش گذارد.

قهرمان داستان شوومان، برای رهایی از دست شیخ بادزار و شوومانی‌ها به تنهایی نمی‌توانست کاری را انجام دهد؛ بنابراین نویسنده با استفاده از شخصیت آقای فرهادی و همچنین تینار که خود از جنس شوومانی‌ها بود، به کمک او می‌شتابد. انگیزه تینار برای کمک به حوریا این بود که می‌خواست به عشق خود اشوان برسد؛ زیرا شیخ بادزار با ازدواج آن‌ها مخالف بود و دستور داده بود که تینار با آقای فرهادی ازدواج کند؛ بنابراین تینار با فراری دادن آقای فرهادی و حوریا، هم از شیخ بادزار انتقام می‌گرفت و هم ماجرای ازدواج او با آقای فرهادی منتفی می‌شد. آقای فرهادی نیز با کمک کردن به حوریا می‌توانست از آنجا رها شود؛ بنابراین، دیده می‌شود که در هر دو داستان یک یا چند فرد آگاه به امور، شخصیت اصلی داستان را همراهی می‌کنند و به او در رسیدن به مقصود یاری می‌رسانند.

۶-۳-۲. فضا (مکان و زمان)

دو بُعد زمان و مکان، هستی انسان را ممکن می‌سازند. تخیل مکانی، بستری است که در آن، کنش‌گری که مورد توجه است، به تصویر کشیده می‌شود؛ اما تخیل زمانی موقعیت کنش‌گران در گذار از این زمینه‌ها است. زمین، اصلی‌ترین زمینه تخیل مکانی است و زمان فانتاستیک نیز یکی از شگفت‌انگیزترین آرزوهای بشر است که در آن گذار از حال و سفر به گذشته یا آینده فراهم می‌شود (محمدی، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۲).

در فانتزی‌ها، ابتدا مکانی که قرار است رویدادهای داستان در آنجا رخ دهد، توصیف می‌شود. ارض زیکولا، در جهان واقعی آغاز می‌شود و سپس خالد با ورود به زیرزمین فوریک، به جهان فراتری قدم

می‌گذارد. مکانی که رویدادهای اصلی داستان در آنجا رخ می‌دهد، دنیای دوم یا دنیای فراتری است. تشریح صحنه‌ها، کاملاً موازی با طرح فانتاستیک و تخیل حاکم بر آن است. درواقع نویسنده با توصیف آسمان، صحرا، معماری زیکولا و پوشش مردان و زنان آنجا و سایر موارد، مقدمات باورپذیری جهان فراتری را برای مخاطب فراهم می‌کند.

در رمان شوومان، رویدادها در مکانی اتفاق می‌افتد که هم آثار جهان واقعی در آن هست و هم جهان تخیلی. اگرچه شوومان روستایی است که ظاهراً در آموزش و پرورش ایران شناسنامه دارد و برای سیستم آموزشی‌اش معلم در نظر گرفته شده، اما مکانی است تخیلی که نویسنده، موقعیت جغرافیایی آن را از ما پنهان می‌کند؛ شوومان مکانی ابری و پوشیده از برف است. وجود برف در تمام طول سال، قرص ماه به رنگ سرخ، نخلستان در منطقه‌ای سردسیر و میوه‌های تابستانی در زمستان، مصداقی در دنیای واقعی ندارد و جزئی از جهان فراتری به حساب می‌آید.

مکان در دو رمان، مشخص نیست و نمی‌توان دریافت که وقایع در کجا رخ می‌دهد. نویسندگان این دو اثر، جهان‌های فراتری که مصداقی در دنیای واقعی ندارد را خلق کرده‌اند. زیکولا شهری نسبتاً بزرگ با جمعیت سیصد هزار نفری است. شوومان نیز روستای کوچکی است با جمعیت چند ده نفری و با شرایط آب و هوایی غیرعادی و سبک معماری خاص. در زیکولا و شوومان هیچ‌گونه نشانه‌ای از پیشرفت‌های دنیای امروزی مانند تلویزیون، تلفن و... به چشم نمی‌خورد.

زمان، در اندیشه بشر همواره عنصری غیر قابل مهار و دست‌نیافتنی است. به همین دلیل است که انسان سعی می‌کند در تخیلات خود بر زمان چیره شود تا بتواند آن را تسخیر کند. زمان در دنیای فانتاستیک و رفتن به گذشته یا آینده یکی از شگفت‌ترین آرزوهای آدمی است (همان: ۴۲).

در داستان ارض زیکولا، خالد نسبت به زمان در هاله‌ای از ابهام است. او هنگامی که از زیرزمین خارج شد و به صحرا پا نهاد، به ساعت خود نگاه کرد و از دیدن عقربه‌های آن که از کار افتاده بود، شگفت‌زده شد (عبدالحمید، ۲۰۱۱: ۵۰). همچنین با دیدن نوع معماری و طرز پوشش و گویش مردم آنجا گمان کرد که به زمان‌های گذشته سفر کرده است: «از خود می‌پرسد آیا از طریق آن زیرزمین به گذشته سفر کرده‌ام، آیا این درست است؟ نه... نه، این توهم است».

من تابه‌حال، درباره زیکولا نه چیزی شنیده‌ام و نه خوانده‌ام. این گونه با خود سخن گفت. سپس صدایش را بلند کرد: چرا که نه؟ اسب‌هایی که درشکه‌ها را می‌کشیدند، پوشش مردم اینجا، عاقلانه نیست کسی در قرن بیست و یکم این‌گونه لباس بپوشد. مطمئناً من به گذشته سفر کرده‌ام و دلیل آن این است که آن‌ها به

زبان عربی سخن می‌گویند؛ اما کشور مصر را نمی‌شناسند. ... تنها دلیل، آن است که به گذشته سفر کرده‌ام» (همان: ۷۰). او سپس از طریق اسیل متوجه می‌شود که در زمان حاضر، یعنی سال ۲۰۰۹ میلادی حضور دارد؛ بنابراین در داستان ارض زیکولا، برخلاف اکثر داستان‌های فانتزی، زمان^۶ پریشی (رفتن به گذشته یا آینده) دیده نمی‌شود. نویسنده در طول داستان حوادث و رویدادها را منظم و به ترتیب خلق می‌کند و روند داستان را از طریق پیش‌نمایی (گذر به آینده) یا پس‌نمایی (گذر به گذشته) دچار انحراف و تغییر نمی‌کند.

در رمان شوومان، مخاطب، در ابتدای داستان، احساس می‌کند که زمان در این روستا متوقف شده است؛ زیرا حوریا در بدو ورود به شوومان، متوجه می‌شود که ساعتش از کار افتاده است. «به ساعت نگاه می‌کنم. عقربه‌ها روی ساعت شش هستند. ساعت باید از دوازده هم گذشته باشد. مچ دستم را نزدیک گوشم می‌برم. صدایی نمی‌آید. چشمم به ساعت می‌افتد. می‌گویم ببخشید سفیا خانوم. ساعت از دیشب کار نمی‌کند، فکر کنم باتریش تموم شده. هنوز حرفم تمام نشده بود که عامر از بیرون اتاق می‌گوید: در شوومان به ساعت احتیاج ندارید.» (جودت، ۱۳۹۳: ۲۰).

در شوومان، از زاویه دید حوریا که راوی داستان نیز هست، حرکت زمان سریع، فشرده و فانتاستیک به نظر می‌رسد؛ اما به‌طور کلی زمان داستان تفاوت چندانی با زمان دنیای واقعی ندارد و زمان فانتاستیک تقریباً مطابق با زمان واقعی است. در این داستان نیز زمان پریشی وجود ندارد و شخصیت‌ها، رفت و برگشت‌های زمانی را تجربه نمی‌کنند؛ بنابراین در هر دو داستان، سفر به گذشته یا آینده رخ نمی‌دهد و سیر حرکت زمان خطی است. زمان وقوع رویدادها نیز مربوط به قرن بیست و یکم است. همچنین نویسندگان، به گونه‌ای مشابه سعی کرده‌اند که به مخاطب القا کنند که زمان در داستان به تعلیق درآمده است و با زمان در دنیای واقعی متفاوت است و این امر را با از کار افتادن عقربه‌های ساعت مچی شخصیت‌های اصلی در بدو ورود به زیکولا و شوومان، نشان می‌دهند، اما در ادامه، مخاطب متوجه می‌شود که زمان دو داستان تفاوت چندانی با جهان حقیقی ندارد. طول مدت زمان وقوع رویدادها در رمان ارض زیکولا حدوداً هشت ماه و در رمان شوومان حدوداً چهار ماه است که در هر دو برهه‌ای کوتاه از زندگی شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد.

۲-۳-۳-۷. درون‌مایه و موضوع

اهمیت درون‌مایه در داستان به حدی است که می‌توان گفت محتوا بر ساختار غلبه دارد؛ یعنی ساختار مانند ابزاری است که در خدمت محتوا قرار می‌گیرد. به همین علت، هدف عمده و اساسی خلق هر داستان، انتشار پیام مورد نظر آن است (سرشار، ۱۳۸۸: ۷۰). از دیرباز در فانتزی‌ها، درون‌مایه‌های اخلاقی به چشم می‌خورد. به همین دلیل در فانتزی‌های نخستین، پیوند نزدیکی میان خیال‌پردازی و اهداف اخلاقی برای مخاطبان ایجاد

شد. روشی که تا به امروز ادامه دارد (زایس، ۱۳۹۰: ۳۱).

درون‌مایه داستان‌های فانتزی به ذهنیت نویسنده بستگی دارد. درون‌مایه‌هایی که عبدالحمید خواسته یا ناخواسته از آن‌ها استفاده کرده است عبارت‌اند از: کشف و شناسایی، عشق، ارتباط با ناشناخته‌ها، ماجراجویی و کشف راز و معما. همچنین کمک به هم‌نوعان، پرهیز از بی‌بند و باری، مذمت تن‌پروری، خطر کردن و دوری از یأس و ناامیدی را می‌توان از نکات تربیتی این داستان برشمرد.

موضوع رمان شوومان از نوع فانتزی وحشت است. در این داستان تمام عوامل دلهره و ترس جمع شده‌اند تا حس هراس را در مخاطب برانگیزند. مخاطبان زیادی به داستان‌هایی با موضوع اشباح و جن علاقه‌مند هستند؛ حتی اگر این داستان‌ها ترسناک باشند؛ زیرا ترس بخشی از ناخودآگاه انسان و از قوی‌ترین و قدیمی‌ترین احساسات بشری است. ترس از گرسنگی، بیماری و شکار توسط حیوانات وحشی، آن‌ها را احاطه کرده بود؛ بنابراین ترس، از فرهنگ بشری و تمدن‌های مختلف در اعتقادات و آیین‌ها گرفته تا داستان‌های معروف در مورد موجودات ترسناک مانند ارواح و اجنه منعکس شده است. به همین سبب، نویسنده شوومان عناصری از گذشته تاریخی و فرهنگ قومی کشور خود را به کار برده است. بشر دوست دارد که احساس ترس و وحشت را در یک محیط کاملاً امن تجربه کند. این ترس ناشی از قرار گرفتن در محیط ناامن نیست و برای مخاطب ضرر یا خطری به همراه ندارد. در نتیجه سبب لذت خواننده می‌شود و او را سرگرم می‌کند. سایر درون‌مایه‌هایی که نویسنده از آن‌ها در این داستان با موضوع جن و پری بهره گرفته است عبارت‌اند از ارتباط با ناشناخته‌ها، درگیری و مبارزه با نیروی شر و مواردی از این قبیل.

۴-۲. بررسی اصول فانتزی در دو داستان

در بررسی دو رمان، اصول فانتزی به کاررفته مختلفی را می‌توان شناسایی کرد مانند اصل ترس، شگفتی و هیجان، اصل تعلیق ناباوری، اصل دگرگونی و دگردیسی، اصل رویدادهای غیرمنتظره و اصل پایان باز، که در دو رمان به بررسی و واکاوی آن‌ها می‌پردازیم:

۴-۲-۱. اصل شگفتی، ترس و هیجان

یک اثر فانتزی زمانی موفق است که مخاطب را کنجکاو و علاقه‌مند کند و شگفتی، اعجاب، ترس و هیجان او را برانگیزد. در ارض زیکولا، وجود زیرزمینی ناشناخته با اسکلت‌های انسانی، ورود به سرزمین ناشناخته‌ای به نام زیکولا و مردمانی با رفتار و آداب خاص، ترس از فقر بر اثر نادانی و اعدام شدن، وجود کتابی که راه خروج از زیکولا را نشان می‌دهد؛ همگی بر هیجان، ترس و شگفتی داستان می‌افزایند.

نویسنده شوومان، با بهره‌گیری از اصل شگفتی، رمان خود را بر پایه ترس و وحشت پایه‌ریزی کرده است. وجود موجوداتی به نام جن با عمری طولانی و چشمانی قرمز، تغذیه از بوی بدن انسان‌ها، وجود ماه به رنگ سرخ، میوه‌های تابستانی در زمستان و درختان نخل در مکانی سردسیر و برفی، تغییر شکل اهالی شوومان به کودک و بزرگ‌سال و ... همه باعث شگفتی و ایجاد ترس و هیجان در مخاطب می‌گردد.

۲-۴-۲. اصل تعلیق ناباوری

باورپذیری از عوامل اصلی جذابیت داستان است که مخاطب را به پیگیری آن وامی‌دارد. از آنجاکه در داستان‌های فانتزی اموری غیر واقعی مطرح می‌شود که قابل باور نیست، نویسنده باید بامهارت در روایت پردازی، آن را باورپذیر جلوه دهد و ناباوری مخاطب را هرچند برای مدتی کوتاه، تعلیق نماید. «فانتزی داستان است و هیچ داستانی در آغاز با سستی از شما نمی‌خواهد که ناباوری‌تان را کنار بگذارید؛ این وظیفه داستان است که ایجاب می‌کند روی باور مخاطب کار کند» (نورتون، ۱۳۸۲: ۳۰۰). از آنجاکه تخیل، هسته اصلی آثار فانتزی را شکل می‌دهد و خواننده را با رویدادهای غیرواقعی روبرو می‌کند؛ لذا نویسنده ناچار است که روش‌هایی را به کار بگیرد تا داستان را برای مخاطب باورپذیر کند. «به بیان دیگر برای کامل بودن لذت خود، مجبور است که فلان موضوع غیرممکن را باور کند و منتظر است ببیند بعد چه می‌شود.» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۳۴).

عمرو عبدالحمید با ایجاد تناسب و انسجام در تمامی عناصر داستان، توصیف دقیق شخصیت‌ها و فضاسازی و انتخاب زاویه دید مناسب باعث شده که خواننده درگیر داستان شود و به واسطه این اصل، داستان برای او باورپذیرتر جلوه کند. از این رو از خواندن داستان لذت می‌برد و با اشتیاق و کنجکاوی آن را تا انتها دنبال می‌کند. ورود به زیرزمین فوری که هم‌زمان با ماه شب چهاردهم روشن می‌شد، وجود تهویه مناسب در اعماق زمین، ایجاد عشق و علاقه میان خالد و اسیل، جست‌وجوی کتابی که تنها راه نجات خالد بود، کمک‌های اسیل و یامن به خالد و ... از مواردی است که باعث می‌شود داستان باورپذیرتر شود. وقتی مخاطب در ارتباط با دنیای فانتاستیک، یعنی وجود شهری به نام زیکولا و شرایط جغرافیایی و آداب اجتماعی آن قرار می‌گیرد، در این میان، فعالیتی در ذهن مخاطب انجام می‌پذیرد که مخاطب را دچار شک و تردید می‌کند و اگر نسبت به داستان دیدی ناباورانه داشته باشد، نمی‌تواند پیوند با داستان ارتباط برقرار کند و سیر وقایع داستان به عملی غیرطبیعی تبدیل می‌شود.

در شوومان نیز، شخصیت‌هایی مثل عامر، شیخ بادزار، سفیا، تینار و سایر اهالی شوومان، موجوداتی از جنس جن هستند. می‌توان گفت که در باور بسیاری از مردم، اجنه می‌توانند به هر صورت و شکلی که

بخواهند، در آیند و کارهای خارق‌العاده انجام دهند. نویسنده با استفاده از این باور و توصیف اعمال و رفتار شخصیت‌های داستان، آن را تا حدی توجه‌پذیر می‌کند و باعث می‌شود که مخاطب، حس ناباوری خود را نادیده گرفته و داستان را تا انتها دنبال کند.

۳-۴-۲. اصل پایان باز

داستان ارض زیکولا - برخلاف داستان‌های قدیمی -، به‌صورت باز به پایان می‌رسد و نویسنده تکلیف داستان را مشخص نمی‌کند. در پایان داستان خالد به معشوقه سابقش، منی می‌رسد، اما همچنان به اسیل فکر می‌کند. او در نهایت به منی پیشنهاد می‌دهد تا ماه‌عسل را در جایی متفاوت بگذرانند و داستان تمام می‌شود. این نوع پایان، حس ناتمام ماندن را در مخاطب ایجاد می‌کند و باعث می‌شود ذهن مخاطب در گیر این مسئله شود که آیا خالد به فکر بازگشت به زیکولا و رسیدن به اسیل است؟

پایان داستان شوومان این‌گونه است که حوریا بعد از به دنیا آوردن فرزندش در مدرسه، نگاهی به چشمان او می‌اندازد. علی‌رغم آنکه چشمان سرخی دارد و از نسل جن است، تصمیم می‌گیرد او را با خودش از شوومان خارج کند. آن‌ها از میان اهالی شوومان که توانایی نزدیک شدن به حوریا و آقای فرهادی را نداشتند، عبور می‌کنند. آقای فرهادی به علت شیپور زدن شوومانی‌ها نقش بر زمین می‌شود و حوریا سوار کامیون عبوری می‌شود و در اینجا داستان تمام می‌شود. به این ترتیب مخاطب از واکنش شیخ بادزار، سرنوشت آقای فرهادی و تینار مطلع نمی‌شود. همچنین حوریا می‌گوید که داستان من با شوومانی‌ها از این لحظه آغاز می‌شود... با آنکه پایان داستان شوومان از لحاظ ساختاری، ممکن است تمام‌شده به نظر برسد اما حالت تردید و ناتمام ماندن را در مخاطب ایجاد می‌کند.

۴-۴-۲. اصل بازی‌های زبانی

در داستان ارض زیکولا، نویسنده زبان و لحن خاصی را برای مردم این سرزمین نیافریده است اما از طریق به‌کارگیری زبان عربی فصیح در گفت‌وگوی آن‌ها، فضای فانتاستیک داستان را قوت بخشیده است. خالد در ابتدای ورود به زیکولا با گویش مصری با اهالی آنجا مکالمه می‌کند و در عین حال اهالی زیکولا با زبان عربی فصیح به او پاسخ می‌دهند؛ در نتیجه این امر تعجب خالد را برمی‌انگیزد. به‌عنوان مثال در ابتدای رمان خالد از جوانی درباره جشن مردم زیکولا سؤال می‌کند: «فسأله خالد لماذا يحتفل الناس هكذا؟ فأجابه الفتى فرحاً: ان الإحتفال لم يبدأ بعد. ضحك خالد مداعباً الفتى: أمال هيبداً امتي؟ تعجب الفتى: لماذا لهجتك غريبة؟ رد خالد: أنا من الشمال إننى غريب (عبدالحميد، ۲۰۱۰: ۶۵).

(ترجمه: نوجوانی به خالد نزدیک شد. خالد از او پرسید که چرا مردم شهر این‌گونه جشن می‌گیرند؟ جوان

درحالی که شاد بود، جواب داد: جشن هنوز شروع نشده است. خالد پرسید: پس کی شروع میشه؟ آن نوجوان با تعجب گفت: چرا لهجه تو غریب است؟ خالد گفت: من از شمالم و در اینجا غریب هستم.

مخاطبان داستان به خوبی می دانند که در هیچ نقطه‌ای از کشورهای عربی، زبان عربی فصیح برای مکالمه به کار برده نمی شود و هر منطقه‌ای، لهجه خاص خود را دارد؛ بنابراین نویسنده از این اصل استفاده کرده است تا بتواند جهانی که خلق کرده است را متفاوت جلوه دهد.

اهالی شوومان نیز زبان گفتاری و نوشتاری مخصوص به خود دارند که حوریا قادر به فهمیدن آن نیست. همچنین شوومانی‌ها برای صحبت کردن، از فارسی معیار (کتابی) استفاده می کنند. همچنین حوریا به عامر می گوید: «این چه خطی است؟ من تا به حال نمونه‌اش را جایی ندیده‌ام. می گوید: زبان و گفتار ما مخصوص خودمان است. کسی از آن چیزی سر در نمی آورد. می گویم: پس دلیلش اینه که همتون کتابی صحبت می کنید. این جور حرف زدن رو باید در مدرسه یاد گرفته باشید. ولی چیزی که برام عجیبه اینه که در حرف زدنتون هیچ لهجه‌ای نیست» (جودت، ۱۳۹۳: ۳۸). این نوع صحبت کردن نوعی تخیل زبانی را شکل می دهد. از دیگر مواردی که نویسنده از این اصل استفاده کرده می توان به نام شخصیت‌ها اشاره کرد. استفاده از لفظ شیخ برای شیخ بازاریار و نام عامر، ذهن خواننده را به جنوب کشور می کشاند؛ اما وجود نام‌هایی مانند سامینار، حامینار، بادنوبان و همچنین هوای سرد و برفی مخاطب را سردرگم می کنند، بنابراین او نمی تواند به خوبی هویت شخصیت‌ها را تشخیص دهد.

۵-۴-۲. اصل دگرگونی و دگرگونی

جهان فانتزی با دگرگونی در دنیای واقعی به وجود می آید. «این دگرگونی می تواند در تغییر اندازه‌ها یا رنگ‌ها باشد» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۸)؛ مانند دراز شدن دست، تبدیل شدن موشی به شیر، یا به رنگ قرمز در آمدن آسمان.

در ارض زیکولا، هنگامی که یکی از اهالی بخش قابل توجهی از بهره هوشی خود را از دست بدهد، جسمش نحیف و رنگ-وریش بیمارگونه خواهد شد. به عنوان مثال هنگامی که خالد بخش زیادی از بهره هوشی خود را برای اجاره منزل می پردازد، رنگ و رویش پریده تر می شود:

«وما إن اخذه خالد حتی شعر بألم شدید برأسه. فنظرت الیه أسیل فی لفه و أفتریت منه بعد ما أمسک برأسه: تماسک.. أرجوک تماسک، أعلم أن الیوم شاق علیک .. فلم یرد و ظلّ ممسکا برأسه و بدأ شجوب جلدہ یزداد» (عبدالحمید، ۲۰۱۱: ۳۱۹).

(ترجمه: تا خالد کلید را گرفت، درد شدیدی را در سرش احساس کرد. اسیل با اضطراب به او نگاه کرد و به وی

نزدیک شد بعد از آنکه سرش را گرفته بود، گفت: مقاومت کن... لطفاً مقاومت کن. می‌دانم که امروز برای تو سخت است. خالد جوابش را نداد و رنگ پوستش زردتر شد.

این امر نوعی دگردیسی و دگرگونی است و به واسطه این اصل، نویسنده توانسته طرح داستان را پیش ببرد و بر هیجان آن بیفزاید.

در شوومان، تجسم جن به شکل انسان خود نوعی دگردیسی و عامل عدم ثبات و درهم شدن شخصیت‌ها است. حوریا ابتدا تصور می‌کرد که با انسان‌های عادی روبرو است اما در ادامه با دیدن شیخ بادزار که به گراز تبدیل شد، متوجه می‌شود که آن موجودات جن هستند و می‌توانند به صورت‌های مختلفی تغییر شکل دهند. همچنین شیخ بادزار، همان دکتر عامر است که دو نقش متفاوت را ایفا می‌کند. قابله که زنی سی‌ساله به نظر می‌رسید، همان تینار، دانش‌آموزی بود که در مدرسه به حوریا کمک می‌کرد. همچنین وجود ماه سرخ‌رنگ نوعی دگرگونی و دگردیسی است.

۳. نتیجه‌گیری

مقایسهٔ رمان ارض زیکولا و شوومان دال بر وجود شباهت‌هایی در نوع فانتزی و شگردها و اصول فانتاستیک به کاررفته در آن‌ها است. هر دو داستان در طرح، اصول فانتزی، شخصیت‌های اصلی، فضاسازی (زمان و مکان)، شخصیت‌پردازی، نوع کنش‌ها و نوع پایان‌بندی شباهت‌های قابل توجهی دارند. طرح هر دو داستان بر اساس سفر قهرمان است که وضوح و عدم ابهام در آن باعث می‌شود که به راحتی رمزگشایی شوند. شخصیت‌های داستان تلفیقی از شخصیت‌های حقیقی و خیالی‌اند که شخصیت‌پردازی آن‌ها نیز بر مبنای توصیف غیرمستقیم اعمال و رفتارهای فراطبیعی آن‌ها در طول داستان است. از لحاظ تداوم زمانی نیز در هر دو داستان، گسست روایی دیده نمی‌شود. در مجموع هر دو داستان به فانتزی‌های مدرن و امروزی نزدیک هستند با این تفاوت که رمان شوومان ارتباط خود با افسانه‌های کهن ایرانی را قطع نکرده است.

منابع

- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامه، رسانه و زندگی روزمره*. ترجمهٔ محمدرضا لیراوی. تهران: سروش.
- بن جامع، سمیره (۲۰۱۰). *العجائبي في المخيال السردی في ليلة وألف ليلة*. رسالة ماجستير. الجزائر: جامعة الحاج الخضر.
- بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*. چاپ اول. تهران: نشر افراز.
- جودت، نازنین (۱۳۹۳). *شوومان*. چاپ اول. تهران: برکه خورشید.
- چالاک، سارا؛ موسوی، فاطمه سادات (۱۳۹۸). *جلوه‌های فانتزی در قصه‌های عامیانه (با تأکید بر قصه‌های ایرانی)*. هفتمین همایش ملی متن‌پژوهی/ادبی، ۱-۱۳.

- حاجی ملاحسین، شهره (۱۳۸۹). فانتزی نو. نشریه و اطلاع‌رسانی کتاب ماه کودک و نوجوان، (۱۵۸)، ۵۱-۵۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت‌نامه. زیر نظر سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- زایس، جک (۱۳۸۷). تبارشناسی فانتزی جستار در پریانه‌های ماندگار. ترجمه مسعود ملک یاری. کتاب ماه کودک و نوجوان، (۱۳۲)، ۳۰-۳۴.
- سرشار، محمدرضا (۱۳۸۸). الفبای قصه‌نویسی. چاپ دوم. تهران: پیام آزادی.
- عبدالحمید، عمرو (۲۰۱۱). ارض زیکولا. الطبعة الأولى، القاهرة: نشر صرح.
- قرل ایاغ، ثریا (۱۳۸۶). ادبیات کودک و نوجوان و ترویج خواندن. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- کهدویی، محمد کاظم؛ شیروانی، مرضیه (۱۳۸۸). شخصیت‌پردازی قهرمان زن در رمان شوهر آهو خانم و سووشون. نامه پارسی، ۱۴ (۴۸ و ۴۹)، ۷۱-۸۶.
- محمدی، محمد (۱۳۷۸). فانتزی در ادبیات کودکان. تهران: نشر روزگار.
- مندنی‌پور، شهریار (۱۳۸۳). ارواح شهرزاد (سازمه‌ها، شگردها و فرم‌های داستان نو). چاپ اول. تهران: ققنوس.
- موسوی، مصطفی؛ جمالی، عاطفه (۱۳۸۸). فانتزی، چیستی و تاریخچه آن در ادبیات ایران و جهان. نشریه ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، (۲)، ۶۱-۷۴.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۰). عناصر داستان. تهران: سخن.
- نورتون، دانا، نورتون، ساندرا (۱۳۸۲). شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک. ترجمه سید محمدهادی محمدی و همکاران. تهران: قلمرو.
- نیدلمن لین، راث (۱۳۷۹). فانتزی فرار از واقعیت یا ارتقای واقعیت. ترجمه حسین ابراهیمی (الوند). پژوهشنامه کتاب کودک و نوجوان، ۶ (۲۳)، ۷-۳۱.

References

- Abdul Hamid, A. (2011). *Earth Zikola*, 1st Edition. Cairo: *Explicit publications* (In Arabic).
- Asabargar, A. (2001). *Narrative in Popular Culture*, Media and Daily life, Translated by; Mohammad Reza Liravi, Tehran: *Soroush Publications* (In Persian).
- Ben Jamea, S. (2010). *The miraculous in the narrative imagination in a night and a thousand nights*. Master Thesis. Algeria: Hadj Al-Khader University (In Arabic).
- Biniaz, F. (2008). *An Introduction to Fiction and Narrative Studies*. First Edition, Tehran: *Afraz Publishing* (In Persian).
- Chalak, S. Mousavi, F, (2019). "Fantasy effects in folk tales (with emphasis on Iranian tales). 7th National Conference on Literary Text Research, 1-13 (In Persian).
- Dehkhoda, A. (2006). *Dictionary*. Under the supervision of Seyed Jafar Shahidi, Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Ghezel Ayagh, S. (2007). *Children's literature and reading promotion*. Fifth Edition, Tehran: *Samt Publications* (In Persian).

- Haji Mullah Hosse, Sh. (2010). New fantasy. *Publication and information of the book of the month of children and adolescents*, No. 158, pages 51-57 (In Persian).
- Joudat, N. (2014) "*Showoman*", 1st Edition, Tehran: *Berke Khorshid* (In Persian).
- Kahdavi, M. and Shirvani, M. (2009). "The characterization of a female protagonist in the novel of the deer-lady's husband and Suvshun", *Persian letter*, fourteenth year, numbers 48 and 49. 71-86 (In Persian).
- Mandanipour, Sh, (2004). *Shahzad spirits (Structures, Techniques and Forms of New Story)*, 1st Edition. *Phoenix Publications* (In Persian)
- Mirsadeghi, J, (2011). *Story Elements*. Tehran: *Sokhan Publications* (In Persian).
- Mohammadi, M. (1999). *Fantasy in Children's Literature*. Tehran: *Roozgar Publications* (In Persian).
- Mousavi, M. and Jamali, A. (2009). Fantasy, What It Is and Its History in Iranian and World Literature. *Journal of Persian Literature*, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, No. 2, 61-74 (In Persian)
- Needleman Lane, R, (2000). Fantasy of escaping from reality or enhancing reality. translated by Hossein Ebrahimi (Alvand). *Journal of Children and Adolescents*, 6 (23), 7-31 (In Persian.)
- Norton, D, Norton, S, (2003). *Understanding children's literature: Types and applications of children's eye holes*. Translated by Seyed Mohammad Hadi Mohammadi et al., Tehran: *Qalamroo* (In Persian).
- Sarshar, M, (2009). *Storytelling Alphabet*. Second Edition, Payam Azadi Publications (In Persian).
- Zeips, J, (2008). Fantasy genealogy of research in enduring fairies. Translated by Masoud Malek Yari. *Book of the Month for Children and Adolescents*, (132), 30 (In Persian).